

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش سلفی‌ها در تحولات مصر جدید: تعامل یا تقابل



تحلیل ماه: نقش سلفی‌ها در تحولات مصر جدید: تعامل یا تقابل

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

مؤلف: داود احمدزاده

تاریخ انتشار: ۹۱/۱۲/۲۰

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۰۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



نقش سلفی‌ها در تحولات مصر جدید: تعامل یا تقابل

سلفی‌ها در میان اهل تسنن جهان عرب به یکی از جریان‌های مهم مذهبی و سیاسی در منطقه تبدیل شده‌اند و ارزیابی تحولات جدید کشورهای عربی و اسلامی، بدون درک این جریان نیز امکان‌پذیر نیست. در این بین با توجه به پتانسیل و نقش آنان در تنظیم قواعد بازی میان گروه‌های مختلف؛ به چگونگی اثرگذاری این گروه در تحولات آتی مصر می‌پردازیم:

پس از سرنگونی رژیم مبارک و قدرت‌یابی اسلامگرایان که از طریق پیروزی در انتخابات پارلمانی مصر حاصل گردید، سلفی‌ها که قبل از انقلاب سکوت و احتیاط اختیار کرده بودند و این نوع سکوت هم به نفع رژیم گذشته تمام شده بود، پس از انقلاب ژانویه ۲۰۱۱، رویکردشان را نسبت به مسایل کلان جامعه و سیاست تغییر داده و با تاکتیک مشخصی در راستای رسیدن به قدرت گام برداشتند. این در حالی است که سلفی‌ها گرچه مدعی حضور در صحنه انقلاب ۲۵ ژانویه در کنار دیگر جریان‌های اعتراضی بودند ولی هیچ مدرکی دال بر ادعای خود ارایه نمی‌کنند، لذا پس از اطمینان از این امر که پس از جریان غالب یعنی اخوان المسلمین (اعتدالی) از گروه‌های تاثیرگذار در روند تحولات مصر هستند؛ مسیر تعامل با این گروه را در پیش گرفتند. همچنین سلفی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری نیز با اتکا به پشتوانه ۲۵ درصدی از آرای پارلمان، درصدد معرفی نامزد مستقل و دستیابی به پست کلیدی ریاست جمهوری برآمدند، البته رد صلاحیت حازم ابو اسماعیل، کاندیدای سلفی‌ها، از سوی شورای کمیته برگزاری انتخابات باعث شد که گروه سلفی در رقابت تنگاتنگ با نهاد نظامی و جریان سکولار در مرحله دوم از محمد مرسی نامزد اخوانی‌ها حمایت کند که بی‌تردید هدف اصلی قد علم کردن در مقابل ارتش و لیبرال‌ها بود. در واقع رهبران سلفی با اطمینان به پیروزی اخوانی‌ها در مرحله دوم با حمایت از مرسی خواستند سهم مناسبی را از قدرت سیاسی آینده مصر در اختیار داشته باشند. تلاش‌های سلفی از



حضور در صحنه سیاسی کشور مصر جلوگیری از پیروزی جریان غیراسلامگرا و نفوذ بیشتر جریان قبطی بوده است اما در مورد اختلافات میان دو جریان تاثیرگذار اسلامگرا در مصر هم باید گفت که سلفی‌گری یک صفت کلی و مفهوم عام است و شامل تمام کسانی می‌شود که خواهان بازگشت به سیره و روش سلف صالح هستند، سلفی‌ها هر نوع تجدید نظرطلبی و اصلاح را بدعت و باطل می‌دانند و در همین ارتباط قبلاً هم تحزب و تشکیل حزب را نوعی تقلید کورکورانه از غرب قلمداد می‌کردند؛ این در حالی است که نگاه اخوانی‌ها به مسایل دینی و سیاسی با رویکرد سلفی‌ها تفاوت بنیادین دارد. اخوان المسلمین نماینده اسلام اعتدالی در منطقه است و شیوه‌های افراطی در حوزه سیاسی و اجتماعی را بر نمی‌تابد. در مورد نگاه اخوانی‌ها و سلفی‌ها به نهاد نظامی و جریان لیبرال هم می‌توان گفت هم اخوان‌ها و هم سلفی‌ها سابقه همکاری و همراهی با نهاد نظامی در دوره‌های گذشته را دارند. در وضعیت موجود پس از پیروزی محمد مرسی، نامزد اخوانی‌ها، هر دو طیف خواهان انتقال قدرت و بازگشت نظامیان به پادگان‌ها هستند. البته در بازی پیچیده قدرت بالاخره مرسی توانست این نیروی سرکش را به نوعی مهار کند.

البته جریان سلفی‌گری به‌ویژه نوع رادیکال آن که در مصر قوت بیشتری یافته است از محبوبیت چندانی برخوردار نیست، روشنفکران و عالمان مصری به‌ویژه تکنوکرات‌های اسلام‌گرای اخوانی این تفکر را نمی‌پذیرند و حتی سعی در کاهش قدرت آن دارند. این در حالیکه سلفی‌ها علاوه بر حملات شدید به شیعیان و صوفی‌ها در مصر به جد درصدد برخورد خشونت‌آمیز با اقلیت قبطی مسیحی برآمدند که تداوم این روند می‌تواند مصر جدید را با آشوب‌های مدنی و جنگ قومی و مذهبی مواجه سازد. چرا که اقلیت قبطی مصری به عنوان اقلیت متنفذ نه تنها در داخل، بلکه خارج از مصر هم از نفوذ سیاسی و اجتماعی بالایی برخوردار بوده و همواره توانسته است با کشورهای غربی و نیز اسرائیل ارتباط نزدیکی برقرار سازد.

لذا بروز هرگونه خشونت علیه قبطیون مصری باعث خواهد شد که بستر مناسبی برای دخالت قدرت‌های خارج در امور مصر باز شود. لذا مرسی سعی دارد که جلوی هرگونه افراط و برخورد خشونت با این اقلیت مذهبی را سد کند. برخلاف سلفی‌ها، جماعت اخوان المسلمین که به نوعی بعد از پیروزی مرسی عملگرایی خود را برای تعامل همه‌جانبه با کشورهای منطقه و جهان اعلام داشته‌اند نیز با قید پابندی به تعهدات و قوانین بین‌المللی چهره معتدلی را از خود برای دیگران ترسیم کردند. این در حالی است که گروه‌های سلفی، جهادی و تکفیری،



همچنان تمرکز خود را بر مفهوم امت اسلامی و دارالاسلام معطوف داشته‌اند. اساساً در ذات فکری گروه‌های سلفی تکثر جایگاهی ندارد، خواه این تکثر در عرضه ذهن یا بیان باشد یا در صحنه دیانت، دولت و ملت. البته در برخی از موارد سلفی‌های جهادی به لحاظ تاکتیکی به قومیت‌گرایی و ناسیونالیسم مذهبی هم روی آورده‌اند.

بی‌تردید این امر نیز فقط در راستای کسب قدرت صورت گرفته است. لذا اختلاف اخوان المسلمین با گروه‌های سلفی - جهادی اختلاف بنیادی و برگرفته از عمق تضادهای فکری - عقیدتی است. در شرایط فعلی هم بدلیل حضور اپوزیسیون قوی متشکل از نظامی‌ها و سکولارها، اخوانی‌ها به‌رغم تضادها در حوزه‌های مختلف مجبور به حفظ ارتباط با سلفی‌ها هستند. از دیگر سو در تقویت موضع سلفی‌ها و حضور پررنگ رهبران این گروه در عرصه سیاسی نباید از نقش برخی از کشورهای عربی غافل ماند؛ به‌طوری‌که دولت و رهبران وهابی عربستان همواره با برخی از متفکران و رهبران جریان‌های اسلامی همانند جماعت انصار سنت محمدی و جمعیت شرعی برای پیروی از اندیشه‌ها و در راس آنها سلفی‌ها همکاری و نیز با عاملان به کتاب سنت محمدی (ص) ارتباط برقرار نمودند. این جریان‌ها و رهبرانشان از طریق دعوت افراد به استفاده از مساجد و کتاب و نیز نشر آن نسبت به تقویت خط فکری سلفی و وهابیت در مصر اقدام نمودند. از آنجا که رژیم مبارک یار و متحد دیرینه عربستان، روابط نزدیک و دوستانه‌ای با ریاض داشت و هر دو کشور نیز بر مدار منافع غرب حرکت می‌کردند، فروپاشی رژیم مبارک باعث ایجاد خلاء قدرت در منطقه و نیز به خطر افتادن منافع کشورهای محافظه‌کار عرب در راس آن عربستان گردید. لذا عربستان تلاش کرده که با وارد نمودن جریان وهابی تندرو به حوزه سیاسی از جمله پارلمان مصر، همچنان نفوذ سنتی خود را در این کشور حفظ نماید. بی‌تردید مکتب ارشادی و اعتدالی اخوان المسلمین سختی با وهابیت تندرو عربستان ندارد از این‌رو ترس از سیطره کامل اخوانی بر حیات سیاسی مصر باعث گردیده که عربستان در قامت متحد تمام‌عیار سلفی با تقویت این گروه به دنبال سهم‌خواهی از قدرت آینده مصر باشد. محذورات داخلی مصر و نیاز مرسی به سرمایه‌های کشور نفت‌خیز عرب وی را بر آن داشته که سهم این گروه را از قدرت سیاسی به نحو مطلوبی در نظر گیرد. از سوی دیگر، به‌رغم برخی از اختلافات عقیدتی و سیاسی با ریاض، قاهره تلاش می‌کند که با گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی شرایط مناسبی را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی فراهم نماید.



بی‌شک اخوان المسلمین در وضعیت موجود نمی‌تواند بی‌نیاز از جریان سلفی‌ها و حزب النور در رقابت فشرده با نهاد نظامی و سکولارها باشد. بالاخره جریان سلفی‌ها با پشتوانه کسب ۲۵ درصد آرای حاصله از پارلمان منحل شده مصر، یک عنصر اثرگذار در تحولات داخلی و خارجی مصر است. از سوی دیگر امید عربستان برای حفظ نفوذ سنتی خود در مصر به همان گروه سلفی دوخته شده است. به نظر می‌رسد که محمد مرسی ناچار است که برای حفظ جایگاه سیاسی اخوانی‌ها و کنترل اوضاع همچنان مسیر تعامل با سلفی‌ها را در پیش بگیرد این در حالی است که سلفی‌ها همچنان از لزوم اجرای کامل شریعت اسلامی در جامعه و لزوم برخورد با مظاهر فرهنگ غرب حمایت می‌کنند. البته اتحاد این گروه تندرو سلفی با اخوان باعث شده است که رهبران جبهه نجات ملی و شخصیت مطرح آن نظیر البرادعی و عمرو موسی و حمدین صباحی شخص مرسی را به ریاکاری و تلاش برای انحصار قدرت سیاسی و بی‌اعتنایی به حقوق گروه‌های غیراسلامگرا متهم سازند.

بطوریکه عدم اقناع جریان‌های لیبرال و چپ ناصری به‌رغم تصویب قانون اساسی جدید و تعیین زمان مقرر برای انتخابات پارلمانی آینده و دعوت مکرر شخص مرسی برای آغاز گفتگوهای ملی نشان می‌دهد که شکاف حول محور دو گفتمان تحول‌خواه در قالب لیبرال‌ها، چپ ناصری و ملی‌ها و نیز گفتمان حفظ وضع موجود و جریان سنتی اسلامگرا به اوج خود رسیده است. تحریم انتخابات آتی پارلمان مصر از سوی جریان مخالف دولت و حضور کم‌اثر قابل پیش‌بینی مردم در انتخابات، مشروعیت دولت اسلامگرا را با چالش جدی روبرو می‌سازد.

از دیگر سو نمی‌توان به اتحاد اخوانی‌ها و سلفی‌ها در جدال با گروه‌های مخالف زیاد خوشبین بود. ناپختگی سیاست‌های داخلی و خارجی مرسی از یک‌سو و تلاش ناکام وی برای ایجاد تعادل میان گروه‌های سیاسی و جلوگیری از رادیکالیزه شدن اوضاع داخلی با برخی اظهارنظرهای وی از جمله اخوان به‌دنبال دولت اسلامی و اجرای احکام شریعت نیست می‌تواند شرایط را برای گسست میان جبهه اسلامگرا آنهم در آستانه انتخابات پارلمانی فراهم سازد. به نظر می‌رسد که مرسی برای برون‌رفت از مشکلات موجود در آزمونی سخت قرار گرفته است. اتخاذ مشت‌آهنین در قبال نیروهای مخالف و همگرایی بیشتر با گروه‌های رادیکال سلفی یا تن‌دان به بازی جبهه نجات ملی و قبول شرایط آنها در تجدید در مفاد قانون اساسی جدید و اعطای آزادی‌های بیشتر مدنی. به نظر می‌رسد که



مرسی در شرایط موجود برای پیروزی بر رقبای سیاسی خویش به راهبرد تعامل حداکثری با جریان سلفی و تقابل حداقلی با جبهه نجات ملی روی آورده است. از آنجا که سفر جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، به قاهره هم نشان داد که غرب و در راس آنان آمریکا نیز خواهان کنترل و تثبیت شرایط امنیتی مصر است و در این میان سیاست آنها حمایت مطلق از جریان خاص در قبال گروه مقابل نیست. در چنین شرایطی امکان دگرگونی اوضاع سیاسی در کوتاه‌مدت دور از ذهن است.

بنابراین با هم‌پیمانی اخوان المسلمین و سلفی‌ها و نیز برخی از احزاب میانه‌رو (حزب الوسط) شاهد پیروزی کم‌رنگ جریان اسلام‌گرا در انتخابات پارلمان آتی مصر خواهیم بود؛ گرچه آن پیروزی نیز نمی‌تواند پایانی بر کاهش تنش‌ها سیاسی موجود و بازگشت کامل امنیت و نیز رونق مجدد اقتصادی بر کشور بحران‌زده مصر قلمداد گردد.